



نقد و معرفی

## تاملی بر (تاریخ تحولات اجتماعی ایران)

عنوان کتاب:

Iran after the revolution:

Crisis of an Islamic state

### ایران بعد از انقلاب: بحرانهای حکومت اسلامی

به رغم اینکه کتاب یاد شده دارای عنوان و موضوع سیاسی می باشد؛ اما محتوای آن بر موضوعات و متغیرهای اقتصادی تأکید دارد. سابقه نویسندگان آن نیز حکایت از چنین امری دارد. زیرا دکتر سهراب بهداد که ویراستار اصلی کتاب محسوب می شود و این کتاب را با مشارکت دکتر سعید رهنما تنظیم نموده است، دارای فعالیتهای مشخصی در حوزه اقتصاد ایران بویژه اقتصاد سیاسی بوده است.

زمینه های تخصصی و تمایلات ذهنی نویسندگان بر محتوای کتاب تأثیر برجای گذاشته و از این رو کتاب موجود را باید از زمره کتابهایی دانست که اقتصاد سیاسی ایران را مورد بحث و بررسی قرار می دهد. از ویژگیهای این کتاب، ایجاد ارتباط بین دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی می باشد. به عبارت دیگر، روندهای تحول در

جامعه ایران از دهه ۱۹۶۰ را به گونه‌ای سیستمیک بیان نموده و به این ترتیب، می‌توان زمینه‌های بحران اقتصادی ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی را با توجه به پیشینه آن، مورد توجه قرار داد.

کتاب یاد شده در ۲۵۶ صفحه تنظیم گردیده که شامل جداول، ضمایم، کتابنامه و فهرست اعلام می‌باشد. این کتاب توسط انتشارات ST.martin'press و در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسیده است.

برای وقوف فراگیرتر نسبت به این کتاب، باید مطالعات دیگری که در مورد اقتصاد ایران و در دوران بعد از انقلاب اسلامی به انجام رسیده را مورد مطالعه و بررسی قرار داد؛ زیرا کتاب «جهانگیرآموزگار» تحت عنوان *under the Islamic Republic Iran's Economy* و همچنین کتاب آلن ریچاردز *Alan Richards* و جان واتر باری *Jahn Waterbury* تحت عنوان *Apolitical Economy of middle East* را باید پیش درآمدی بر کتاب موجود تلقی نمود. از این رو باید تأکید داشت که دو کتاب یاد شده به عنوان مهمترین کتابهای اقتصاد سیاسی ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی محسوب می‌شوند. در حالی که جلوه‌های اجتماعی و سیاسی کتاب «ایران بعد از انقلاب» که توسط سعید رهنما و سهراب بهداد نوشته شده، بیش از سایر متون منتشر شده در این رابطه، اهمیت دارد.

نویسندگان کتاب نسبت به هنجارها و معیارهای سنتی در جامعه ایران کاملاً واقف بوده و از این‌رو، جنبش اسلامی ایران را نوعی تلاش برای احیای ارزشهای ایدئولوژیک فراموش شده، تلقی می‌کنند. طبیعی است که در چنین سطحی از تحلیل، انقلاب اسلامی به عنوان ضرورتی اجتماعی تلقی شده که توسط احیاگران هنجارهای دینی ایجاد شده است. اما در دوران بعد از انقلاب، جامعه ایران دچار بحرانهای درون ساختی گردید که این امر با توجه به بحرانهای برون ساختی، سطح آسیب‌پذیری دولت و جامعه ایران را افزایش داده است. بنابراین بحران دولت اسلامی صرفاً دارای ریشه‌های داخلی نبوده و به ساخت اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران قبل از انقلاب نیز برمی‌گردد.

در تبیین شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران قبل از پیروزی



انقلاب اسلامی، سه فصل از کتاب به این موضوعات اختصاص یافته‌اند. در فصل اول، نوعی بررسی تحلیلی و توضیحی در مورد روند تحولات ایران از زمان انقلاب سفید انجام گرفته است. اهمیت این دوران در چارچوب اقتصاد سیاسی ایران را می‌توان در دگرگونی‌های زیرساختاری و فراگیری دانست که در روند ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و بویژه اقتصاد سرمایه‌داری فراهم گردیده است.

در فصل دوم کتاب، مسأله دولت در دوران پهلوی و تحولاتی که در ساخت حکومت ایجاد گردیده، مورد بحث قرار گرفته است. نویسندگان با بهره‌گیری از نظریه (دولت تحصیل‌دار) خانم تدا اسکاچپول، بر این اعتقاد است که افزایش قیمت نفت و در تداوم آن، افزایش درآمد حکومت ایران، زمینه را برای شکل‌گیری دولت فوق طبقاتی فراهم آورده است. این دولت، توزیع‌کننده ثروت، جایگاه اجتماعی و اقتدار اداری است. در نتیجه این فرآیند، سیستم اجتماعی و اقتصادی در جامعه ایران یونیزه گردیده و زمینه را برای بی‌ثباتی‌های پنهان، ایجاد کرده است. طبیعی است که در این شرایط، نظریه عدم مشروعیت حکومت از طرف گروه‌های سیاسی مطرح گردیده و در نتیجه، ساخت دولت با بحران فراگیر و گسترش یابنده‌ای روبرو شد.

در فصل سوم کتاب، نقش گروه‌های اسلامی در جامعه ایران مورد پردازش قرار گرفته است. این بحث نیز با تأکید بر نظریه دولت از دیدگاه شیعه و علمای شیعی آغاز گردیده؛ ولی روند بحث با آنچه که قبلاً خانم اسکاچپول در مقاله دولت تحصیل‌دار و انقلاب شیعی مطرح کرده است، تفاوت چندانی ندارد. البته متغیرهای اقتصادی به گونه مشخص‌تری به بحث گذاشته شده و اقتصاد ایران در دهه ۱۹۷۰ با تحولات اجتماعی و گسترش هنجارهای اسلامی ترکیب شده است.

فصل چهارم، به رویدادهای بعد از انقلاب اشاره دارد. تأکید اصلی کتاب از این مقطع زمانی به بعد، عمدتاً حول محور نظریات، رهیافتها و کارکردهای اقتصادی در جامعه بعد از انقلاب اسلامی ایران تأکید دارد. بحرانهای اقتصادی بعد از انقلاب را نویسندگان ناشی از گسستگی بین دولت و نهادهای اقتصاد داخلی و بین‌المللی می‌دانند. البته مولفه‌هایی از جمله ملی‌سازی کارخانجات، دولتی‌شدن اقتصاد و عدم برنامه‌ریزی موفق برای افزایش بازدهی، زمینه‌های محیطی را برای کاهش تولید و عدم

توجه به بازار تولید اقتصادی فراهم آورده است، از سوی دیگر، جامعه ایران با نگرشهای نوینی روبرو گردید که بسیاری از این رهیافتها در تضاد با یکدیگر قرار گرفته بودند.

نویسندگان کتاب در فصل چهارم و پنجم بر این نکته تأکید داشته‌اند که در سالهای اولیه انقلاب، دو گروه با دو اندیشه متفاوت روبروی یکدیگر قرار گرفته بودند. گروه اول، مبتنی بر گرایش‌های ایده‌آلیستی و توده‌گرا قرار داشت. این‌گرایش - Populist-Utopian موتور محرک انقلاب محسوب گردیده که توانسته بود بسیج اجتماعی را شکل دهد. گرایش دیگر بیانگر ائتلاف گروه‌های محافظه‌کار در روند انقلاب بود. این گروه (Conservative alliance) بعداً به گروه سنت‌گرا معروف شدند. تعارض تئوریک بین این دو گروه، زمینه را برای شکل‌گیری تضادهای فراگیرتر اجتماعی فراهم آورد. این امر، سطح و شدت بحران اقتصادی و اجتماعی ایران را به گونه مشهودی افزایش داد.

از آنجایی که در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نفت نقش تعیین‌کننده خود را در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران اختصاص یافته است. براساس نتایج حاصله، می‌توان نوعی پیوستگی در بحرانهای اقتصادی ایران و همچنین کاهش قیمت نفت در سطح بین‌المللی مشاهده نمود. در هر دورانی که قیمت جهانی نفت کاهش پیدا کرده است، جامعه ایران با تضادهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری روبرو شده است. به همین دلیل، نفت به پاشنه آشیل اقتصاد ایران تشبیه گردیده است.

فصول نهم، دهم و یازدهم مسایل اجتماعی، قومیتها، زندگی عمومی و فشارهای ناشی از رفتار گروه‌های نوظهور زنان و جوانان به بدنه دولت را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان بر این اعتقاد هستند که هر یک از موضوعات یاد شده در توسعه بحران سیاسی ایران نقش موثری را ایفا می‌کنند؛ اما این امر زمانی خود را نمودار می‌سازد که دولت با بحران اقتصادی روبه‌رو شده باشد. بحران اقتصادی، زمینه را برای گسترش بحرانهای سیاسی و اجتماعی فراهم خواهد کرد؛ زیرا زمینه‌های چنین بحرانی وجود دارد؛ اما به دلیل اقتدار دولت، حوزه عمومی جامعه که موسوم به جامعه مدنی است، رشد چندانی نکرده است. اگر این رشد همراه با ضعف اقتصادی دولت باشد؛



طبیعی است که بحرانهای متوالی سطح مشروعیت و فراگیری حکومت را کاهش خواهد داد.

## نام کتاب:

# مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران) از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی

Fragile Resistance. Social Transformation in Iran From 1500 to the Revolution

نویسنده: جان فوران

مترجم: احمد تدین

ناشر: موسسه خدمات فرهنگی رسا

سال نشر: ۱۳۷۷، چاپ اول

این اثر که از ۹ فصل فراهم آمده است، تاریخ تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیکی پانصد ساله اخیر؛ یعنی از آغاز به قدرت رسیدن صفویه تا سال ۱۹۹۰ میلادی را در بر می‌گیرد. «فوران» ضمن علت یابی نحوه روی کار آمدن، به قدرت رسیدن و سپس افول دولت نیرومند صفویه، آن هم زمانی که احتمالاً ایران در آستانه ورود به انقلاب صنعتی بود؛ فروپاشی دولت صفویه را ناشی از وجود بحرانهای درهم تنیده اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نیز کشمکش قاطع بخشهای مختلف نخبگان سراسر امپراتوری ایران می‌داند. به دنبال سقوط سلسله صفویه دوره تلخی از ناآرامی، ناامنی و جنگهای داخلی و جابجایی سلسله‌ها در کشور پدید آمد و این جنگها، باعث شد تا کشوری که در زمان شاه عباس یک امپراتوری بزرگتر از تزار روسیه، عثمانی و هندوستان بود و در عرصه خارجی امپراتوریهای در حال شکل‌گیری جهان سرمایه‌داری قرار داشت، به جای آنکه بخشی از جهان مزبور شود، در زمان حکومت دودمان قاجاریه به حاشیه جهان رانده شود و نسبت به آن، موقعیت حاشیه‌ای

و وابسته پیدا کند. این وضع برای مردمی که در بخش اعظم تاریخ طولانی سرزمین خویش با استقلال زندگی کرده بودند، قابل تحمل نبود. از آن پس، جنبشهای پرتوانی پدید آمد و مردان بزرگی مانند امیرکبیر و مصدق پیدا شدند و کوشیدند ایران را از حالت وابستگی و موقعیت حاشیه‌ای به در آمدند؛ اما هر بار به دلایلی که به تفصیل در کتاب مورد بحث قرار گرفته است، این اقدامها به شکست انجامید.

«فوان» در «مقاومت شکننده»، می‌کوشد در پرتو این تاریخ پانصدساله، قانونی عام برای همه انقلابها از جمله انقلابهای دو سده اخیر ایران پیدا کند. او در پرتو این بررسیها، می‌گوید انقلاب اسلامی ایران با همه عظمتش در مقایسه با سایر انقلابها، حالت استثنایی ندارد. او همچنین، ضمن بررسی و نقد نظریه‌های انقلاب می‌کوشد به قوانین عام و کلی دست یابد و به یاری آنها همه انقلابات پیشین را توضیح بدهد. وی ضمن بررسی نظریه تداوم اسکاچپول می‌گوید: انقلاب اسلامی ایران مانند همه انقلابها از یک رشته قوانین عام تبعیت کرده است؛ منتها با در نظر گرفتن این دو نکته که در تاریخ بشریت این آخرین انقلاب بزرگی بوده که به وقوع پیوسته است؛ پیچیدگی‌های خاصی نیز داشته که نمی‌توان آنها را صرفاً به یاری انقلابهای قبلی توضیح داد. انقلاب ایران را باید به یاری تلفیقی منطقی از نظریه‌های انقلاب، یعنی: «نظریه شیوه‌های تولید، نظریه نظامهای جهانی، نظریه وابستگی، نظریه مشروعیت نظام و ماهیت دولت و فرهنگ‌های سیاسی مخالفان حکومت» توضیح داد.

### تصحیح و پوزش:

توضیحاً در تاریخ ۷۸/۶/۶ نامه‌ای از معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی در دانشگاهها به دستمان رسید که ضمن پوزش از برادران اخوان اشرفی عیناً درج می‌گردد.

جمله «در شاهرود اخوان اشرفی عواملی را به خدمت می‌گیرند» به اشتباه «در شاهرود اخوان اشرفی را به خدمت می‌گیرند» آمده است که بدینوسیله مطلب فوق تصحیح می‌گردد.

